

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یانپس واروفاکیس/ وزیر مالیه اسبق یونان
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختري
۳۱ می ۲۰۲۵

واروفاکیس:

چین رهبری «نظام پولی جدید جهانی» را بر عهده بگیرد



پیشنهاد یانپس واروفاکیس: چین رهبری «نظام پولی جدید برتون وودز» را بر عهده بگیرد.

عملکرد دونالد ترامپ این توهم را که «تجارت جهانی می‌تواند مثل همیشه ادامه یابد» از هر فرد عاقلی سلب کرده است. اما حتی اگر از رفتار، تصمیمات و اظهارات تکان‌دهنده ترامپ عصبانی باشیم، باید از این وضعیت استقبال کنیم. اقتصاد جهانی با باید دوباره متعادل شود یا فرو می‌پاشد، و این فروپاشی ممکن است بسیار بدتر از بحران مالی سال ۲۰۰۸ باشد. بنابراین، تنها سوالی که ارزش بحث را دارد این است: چه کسی می‌تواند برای تصحیح عدم توازن‌هایی که به ضرر کشورهای در حال توسعه است و همچنین مهار سایه فاشیسم در حال گسترش در اقتصادهای غربی، اقدام کند؟ ما می‌دانیم که اتحادیه اروپا دیگر توانایی ورود به این نبرد و کمک به تعادل مجدد جهان را ندارد. دلیل آن به نقص‌های طراحی یورو (ارز واحدش) و سپس به امتناع از بهره‌برداری از بحران یورو برای پیشبرد فدرالیزاسیون تصمیمات مالی و سرمایه‌گذاری بازمی‌گردد. در نتیجه، اتحادیه اروپا اکنون در رکود اقتصادی بلندمدت و تفرقه سیاسی گرفتار شده است.

وضعیت ایالات متحده و اتحادیه اروپا در تعادل مجدد جهانی

همچنین واضح است که ایالات متحده تمایلی به کمک به تعادل مجدد جهان ندارد. اگرچه اسکات بسنت، وزیر خزانهداری ایالات متحده، درباره تعادل مجدد تجارت و جریان سرمایه سخن می‌گوید، اما دولت ترمپ که او در آن خدمت می‌کند، فقط به دنبال اهداف متناقضی است: از یک سو کاهش ارزش دلار و از سوی دیگر جذب سرمایه بیشتر به ایالات متحده. این تناقض تنها با اجبار گسترده قابل حل است، در حالی که ایالات متحده نه توانایی و نه نظم لازم برای اجرای آن را دارد.

چرا چین؟

پس چه کسی باقی می‌ماند؟ پاسخ این است: چین. در اپریل ۲۰۰۹، در اجلاس سران گروه ۲۰ در لندن، به منظور هماهنگی سیاست‌های پولی جهانی و مهار تشدید و گسترش بحران مالی شمال آتلانتیک، هیأت چینی از بررسی مجدد کنفرانس برتون وودز در سال ۱۹۴۴ و احیای طرح «اتحادیه پایپای بین‌المللی» (ICU) که توسط جان مینارد کینز پیشنهاد شده بود، حمایت کرد.

متأسفانه، همانطور که ایالات متحده در سال ۱۹۴۴ پیشنهاد کینز را رد کرد، در سال ۲۰۰۹ نیز پیشنهاد چین را نادیده گرفت. شانزده سال بعدی تاریخی دردناک بود: عدم توازن جهانی به طور فزاینده‌ای تشدید شد و اکنون به طور کنترل نشده‌ای در حال گسترش است.

با توجه به ناتوانی اتحادیه اروپا و عدم تمایل ایالات متحده برای حل مشکل فزاینده عدم توازن جهانی، چین چه کاری می‌تواند انجام دهد؟ پاسخ من این است که یک نظام جدید برتون وودز بدون ایالات متحده یا اتحادیه اروپا ایجاد شود، و سپس پس از آشکار شدن مزایای آن، سایر کشورها نیز جذب شوند.

لطفاً اشتباه نکنید، من پیشنهاد نمی‌کنم که چین نظام پولی قدیمی برتون وودز دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ را احیاء کند و به یک قدرت هژمون جهانی دیگر تبدیل شود. به عکس، من اصرار دارم که چین باید با همکاری کشورهای بریکس و سایر شرکاء، یک سیستم واقعاً چندجانبه جدید ایجاد کند که دقیقاً همان مفهومی بود که کینز در سال ۱۹۴۴ پیشنهاد کرد – طرحی که روزولت در آن زمان رد کرد و به جای آن هژمونی ایالات متحده را تثبیت نمود.

پاسخ به انتقادات و چگونگی عملکرد نظام جدید برتون وودز

قبل از بحث در مورد چگونگی عملکرد نظام جدید برتون وودز، اجازه دهید به برخی از سؤالات احتمالی از غرب پاسخ دهم. برخی خواهند گفت که چین نمی‌تواند ستون فقرات یک سیستم تجارت بین‌المللی باشد، زیرا کنترل سرمایه را اجراء می‌کند. اما آیا آنها فراموش کرده‌اند که هم سیستم قدیمی برتون وودز و هم طرح اتحادیه پایپای بین‌المللی کینز بر اساس کنترل سرمایه بنا شده بودند؟

برخی دیگر نیز سؤال خواهند کرد که برای این که یک کشور هسته یک سیستم بزرگ تجارت و پول بین‌المللی باشد، باید کسری تجاری داشته باشد تا سایر کشورها بتوانند با آن مازاد تجاری داشته باشند. آیا آنها فراموش کرده‌اند که هدف اولیه سیستم قدیمی برتون وودز حفظ مازاد تجاری ایالات متحده بود؟ واضح است که این اعتراضات بیشتر منعکس‌کننده تعصبات منتقدان است تا یک تحلیل اقتصادی جدی.

حالا به چگونگی عملکرد سیستم جدید بر تون وودز می‌پردازیم تا به یک سیستم واقعاً چندجانبه، غیر هژمونیک و متقابل تبدیل شود. برای جلوگیری از عدم توازن فزاینده‌ای که توسط سیستم تجارت مبتنی بر بازار ایجاد می‌شود، کینز استدلال کرد که باید سیستم «تنظیم برای کشورهای بدهکار اجباری و برای کشورهای طلبکار داوطلبانه» با یک مکانیسم تنظیم متقارن هم برای کشورهای بدهکار و هم برای کشورهای طلبکار جایگزین شود. این سیستم می‌تواند به این شکل باشد:

جزئیات پیشنهادی برای نظام جدید

- * - حفظ استقلال پولی: کشورهای شرکت‌کننده ارز و بانک‌های مرکزی خود را حفظ می‌کنند.
- * - واحد حساب مشترک دیجیتال («کاسموس»): تمام جریان‌های تجاری و سرمایه بین کشورها با یک واحد حساب مشترک دیجیتال تسویه می‌شود که می‌توانیم آن را «کاسموس» (kosmos) بنامیم.
- * - حساب‌های ذخیره در نهاد مشترک: بانک مرکزی هر کشور یک حساب ذخیره به واحد «کاسموس» در یک نهاد مشترک باز می‌کند.
- * - صدور «کاسموس» بر اساس دفتر کل توزیع‌شده: این نهاد بر اساس یک دفتر کل توزیع‌شده شفاف و با توجه به یک الگوریتم، «کاسموس» را صادر می‌کند. این الگوریتم به روشی از پیش توافق‌شده، مجموع عرضه «کاسموس» را بر اساس حجم تجارت جهانی تنظیم می‌کند و در عین حال یک مکانیسم تنظیم ضد چرخه‌ای را برای افزایش عرضه «کاسموس» در زمان کندی عمومی اقتصاد جهانی شامل می‌شود.
- * - بازار ارز و نرخ تبدیل: بازار ارز طبق معمول کار می‌کند و نرخ تبدیل «کاسموس» با ارزهای مختلف (مانند دلار، یورو، ین) مانند حق برداشت ویژه (SDR) صندوق بین‌المللی پول در نوسان خواهد بود. تفاوت در این است که در سیستم جدید بر تون وودز، تمام پرداخت‌ها بین کشورهای شرکت‌کننده باید از طریق حساب‌های «کاسموس» بانک‌های مرکزی مربوطه انجام شود.
- «حق برداشت ویژه (SDR) به معنای کلاسیک پول نیست، بلکه یک دارایی است. ارزش حق برداشت ویژه بر اساس پنج ارز اصلی جهانی: دلار آمریکا، یورو، یوان (رمنمینی چین)، ین جاپان و پوند بریتانیا تعیین می‌شود.»

مکانیزم‌های کلیدی: «مالیات» و «عوارض»

- تا اینجا، همه پیشنهادها نتوانسته‌اند مشکل عدم توازن در سیستم، مانند کسری‌ها و مازادهای تجاری عظیم را حل کنند. با این حال، این طراحی سیستم جدید می‌تواند دو مداخله کلیدی را محقق سازد که نه تنها عدم توازن را محدود می‌کند، بلکه ظرفیت عظیمی برای توسعه متقابل را نیز آزاد می‌کند. من این دو مداخله را «مالیات (The Levy)» و «عوارض (The Charge)» می‌نامم. در ادامه تعریف و نحوه عملکرد آنها آمده است:
- * - مالیات (The Levy): سالانه بر اساس نسبت کسری یا مازاد حساب جاری در حساب‌های «کاسموس» بانک‌های مرکزی کشورها، مالیات عدم توازن تجاری دریافت می‌شود و به یک صندوق توسعه مشترک (CDF) که توسط یک نهاد چندجانبه مدیریت می‌شود، واریز می‌گردد.
 - * - هدف: اصل اساسی «مالیات» این است که دولت‌های دارای مازاد را به افزایش مصرف و سرمایه‌گذاری داخلی تشویق کند، در حالی که به طور سیستمی قدرت خرید بین‌المللی کشورهای دارای کسری را کاهش می‌دهد. بازار ارز این موضوع را در نظر خواهد گرفت و نرخ‌های مبادله را سریع‌تر برای مقابله با عدم توازن حساب جاری تنظیم

می‌کند و بخش عمده‌ای از جریان‌های سرمایه را که در حال حاضر از عدم توازن تجاری بلندمدت حمایت می‌کنند، خنثی خواهد کرد.

* - عوارض (The Charge): مؤسسات مالی خصوصی «عوارض اوج» را به نسبت خروج سرمایه به صندوق مشترک پرداخت می‌کنند، درست مانند این که تاکسی‌های اینترنتی در ساعات اوج شلوغی، مبلغ بیشتری از مشتریان دریافت می‌کنند.

۸ - هدف: «عوارض» به طور خودکار جریان‌های سرمایه سفته‌بازانه ورودی یا خروجی را مجازات می‌کند، اما بدون این که به بوروکرات‌ها اختیار عمل بدهد یا نیاز به کنترل سرمایه سختگیرانه داشته باشد.

مزایای صندوق مشترک و نتیجه‌گیری

به این ترتیب، از طریق صندوق مشترک این نظام جدید برتون وودز، کشورهای شرکت‌کننده بدون نیاز به هیچ سرمایه اولیه‌ای، به یک صندوق ثروت جهانی اضافی دسترسی خواهند داشت. این امر دو هدف را به طور همزمان محقق می‌سازد: توازن تجارت جهانی و تأمین مالی جدید برای یک گذار عادلانه و سبز در مقیاس جهانی. این طرح بدون شک قابل اجراست. چین دارای فناوری‌های مرتبط، به ویژه در زمینه سیستم‌های پرداخت دیجیتال بسیار پیچیده، تخصص دارد. سایر کشورهای جهان نیز بشدت به یک سیستم تجاری نیاز دارند که به جای عدم توازن و استثمار، ثبات و منافع متقابل را به ارمغان آورد.

ما در زمینه سیستم‌های تسویه حساب بین‌المللی نیز تجربه نهادی داریم. به عنوان مثال، حساب‌های Target2 بانک مرکزی اروپا برای کسری‌های تراز پرداخت‌ها در منطقه یورو مالیات دریافت می‌کنند. آنچه جهان فاقد آن است، فرآیند سیاسی است که بتواند همه این عناصر را در کنار هم قرار دهد.

آیا این یک طنز عالی خواهد بود اگر شوک‌درمانی دونالد ترامپ، که ادعا می‌کند اقتصاد جهانی را متعادل می‌کند، در عوض چین و سایر کشورهای جهان را برانگیزد تا سیستم چندجانبه‌ای را که کینز در سال ۱۹۴۴ پیشنهاد کرد، بسازند و توهم ۸۰ سال تسلط آمریکا بر جهان را درهم بشکنند؟

توضیح پیشنهاد وارفاکس به زبان سیاسی: «نظام پولی جدید جهانی» برای همه

تصور کنید دنیا شبیه یک بازار بزرگ است که کشورهای مختلف در آن با هم خرید و فروش می‌کنند. در حال حاضر، این بازار کمی به هم ریخته و ناعادلانه است. بعضی کشورها خیلی پولدارتر می‌شوند و بعضی‌ها فقیرتر می‌مانند، که این باعث مشکلات زیادی می‌شود. یانکس وارفاکس، که قبلاً وزیر اقتصاد یونان بوده، می‌گوید وقت آن رسیده که این بازار را دوباره مرتب کنیم.

مشکل اصلی چیست؟

وارفاکس می‌گوید که وضعیت فعلی دنیا نمی‌تواند ادامه پیدا کند. او معتقد است که رفتار دونالد ترامپ نشان داد که سیستم اقتصادی جهانی دیگر کار نمی‌کند و نیاز به یک تغییر اساسی داریم. اگر این تغییر اتفاق نیفتد، ممکن است با یک بحران اقتصادی بزرگتر از سال ۲۰۰۸ روبه رو شویم. مشکل اینجاست که آمریکا و اروپا، که قبلاً قدرت‌های اصلی

بودند، دیگر نمی‌توانند یا نمی‌خواهند این مشکل را حل کنند. امریکا فقط به فکر منافع خودش است و اروپا هم به خاطر مشکلات داخلی یورو، توانایی لازم را ندارد.

راهحل پیشنهادی: «سیستم برتون وودز جدید» با رهبری چین

پس چه کسی می‌تواند این بازار جهانی را سامان دهد؟

واروفاکیس پیشنهاد می‌کند که چین رهبری این کار را بر عهده بگیرد. چرا چین؟ چون قبلاً در سال ۲۰۰۹، چین پیشنهادهایی برای اصلاح سیستم مالی جهانی داده بود که امریکا نادیده گرفت. حالا که بحران‌ها بیشتر شده، واروفاکیس می‌گوید چین باید یک «سیستم برتون وودز جدید» ایجاد کند.

«سیستم برتون وودز» چیست؟

«برتون وودز» نام سیستمی بود که بعد از جنگ جهانی دوم برای مدیریت پول و تجارت جهانی ایجاد شد و امریکا قدرت اصلی آن بود. اما این سیستم دیگر جوابگو نیست. واروفاکیس می‌گوید سیستم جدید باید کاملاً متفاوت باشد. او نمی‌خواهد چین مثل امریکا در سیستم قبلی، یک قدرت سلطه‌جو باشد. بلکه هدف این است که چندین کشور بزرگ، به خصوص کشورهای گروه بریکس (مثل برزیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی) با هم همکاری کنند تا یک سیستم عادلانه و چندجانبه بسازند.

چطور این سیستم جدید کار می‌کند؟ (خیلی ساده!)

واروفاکیس دو پیشنهاد اصلی دارد که در مقاله به آنها «مالیات» و «عوارض» می‌گوید. بیایید خیلی ساده ببینیم منظورش چیست:

- * - واحد پول جهانی «کاسموس»:
- * - تصور کنید همه کشورها به جای استفاده از دلار یا یورو در معاملات بین‌المللی، از یک پول مشترک دیجیتال به نام «کاسموس» استفاده کنند.
- * - این پول به صورت دیجیتالی و شفاف، توسط یک سازمان مشترک و با یک فرمول خاص تولید می‌شود.
- * - هر کشوری پول خودش را دارد، اما برای خرید و فروش با کشورهای دیگر، از «کاسموس» استفاده می‌کند.
- * - مثل این است که همه کشورها به یک کارت اعتباری بین‌المللی مشترک دسترسی داشته باشند که قوانین استفاده از آن بسیار واضح است.
- * - «مالیات» بر عدم توازن (برای تعادل تجاری):
- * - واروفاکیس می‌گوید اگر کشوری خیلی زیاد صادرات داشته باشد (یعنی خیلی بیشتر از آن چیزی که وارد می‌کند) و پول زیادی جمع کند، یا به عکس، کشوری خیلی زیاد واردات داشته باشد (یعنی پول زیادی از دست بدهد)، باید به نوعی «مالیات» پرداخت کند.
- * - این «مالیات» به یک صندوق مشترک جهانی واریز می‌شود.
- * - هدف: این کار باعث می‌شود کشورهای پولدارتر تشویق شوند که پول خود را بیشتر در داخل کشورشان سرمایه‌گذاری کنند و کشورهای فقیرتر هم تشویق شوند که بیشتر تولید کنند. این سیستم باعث می‌شود که تعادل بین کشورها برقرار شود و پول در دست چند کشور محدود جمع نشود.

- * - «عوارض» بر جریان‌های سرمایه (برای جلوگیری از نوسانات شدید):
- * - گاهی اوقات سرمایه‌های زیادی به سرعت از یک کشور خارج یا وارد می‌شوند که باعث نوسانات شدید اقتصادی می‌شود (مثل وقتی که قیمت سهام یک باره بالا و پائین می‌رود).
- * - واروفاکس پیشنهاد می‌کند که اگر پول‌های کلان و بزرگ (سرمایه) خیلی سریع بین کشورها جابه جا شود، باید یک «عوارض» خاص بپردازد.
- * - هدف: این «عوارض» جلو سفته‌بازی‌های خطرناک و خروج ناگهانی سرمایه را می‌گیرد، بدون این که دولت‌ها به طور مستقیم دخالت کنند. مثل عوارض طرح ترافیک است که در ساعت‌های شلوغی، برای ورود به یک منطقه خاص، باید بیشتر پول پرداخت کنید.

نتیجه نهانی این سیستم چیست؟

- اگر این سیستم جدید اجراء شود، چند اتفاق مهم می‌افتد:
- * - تجارت جهانی متعادل می‌شود: دیگر یک کشور خیلی ثروتمند و یک کشور خیلی فقیر نخواهیم داشت.
- * - پول برای توسعه جهانی: آن پولی که از «مالیات» و «عوارض» جمع می‌شود، وارد یک «صندوق مشترک» می‌شود. این صندوق می‌تواند برای کمک به توسعه کشورهای فقیرتر و همچنین حمایت از پروژه‌های زیست محیطی در سراسر جهان استفاده شود. یعنی دنیا هم عادلانه‌تر می‌شود و هم مشکلات محیط زیست بهتر حل می‌شوند.
- به نظر واروفاکس، چین هم تکنولوژی لازم برای ساخت چنین سیستم دیجیتالی پیچیده‌ای را دارد و هم دنیا بشدت به چنین سیستمی نیاز دارد که به جای استثمار، همکاری و منافع متقابل را به ارمغان بیاورد.
- در نهایت، واروفاکس با یک نکته طنزآمیز مقاله را تمام می‌کند: آیا مسخره نیست که اقدامات ترمپ، که ظاهراً برای منافع امریکا بود، در نهایت به نفع یک سیستم جهانی جدید و عادلانه‌تر توسط چین و سایر کشورها منجر شود و سلطه ۸۰ ساله امریکا را پایان دهد؟ این همان چیزی است که او به آن امیدوار است.